کلاهبرداری در سایت‌های اینترنتی

مردی که بعد از کلاهبرداری از خریداران کالاهای اینترنتی پول‌ها را از طریق حساب‌های بانکی امانتی پولشویی می‌کرد، بازداشت شد.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای پایتخت به جام‌جم گفت: ۲۴ مرداد امسال زنی ۲۷ ساله با حضور در پلیس فتا شکایت کرد که فرد غریبه‌ای اقدام به پولشویی از طریق حساب بانکی وی کرده و بعد از آن سه میلیون تومان موجودی حسابش را سرقت کرده است. این در حالی بود که شکایت‌های ۱۵ نفر دیگر هم که به طور مشابه موجودی حسابشان سرقت شده بود در اختیار پلیس قرار گرفت. سرانجام رد مرد ۳۲ ساله در این باره به دست آمد و او بازداشت شد. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که متهم در سایت‌های خرید و فروش اینترنتی فعال بوده و از خریداران درخواست می‌کرده بیعانه خرید کالاها را به شماره کارت‌های اقوام و آشنایانش که به بهانه کارهای بانکی امانت گرفته بود، واریز و بعد کالایی به خریداران نفروخته و سایت‌های اینترنتی فروش غیرواقعی را مسدود می‌کرده است. او با این ترفند ۴۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده بود.

گزارش جام جم از عکس کفش و عروسک هایی که در صحنه سانحه هوایی خبرساز شد

ماجرای کفش قرمز «کردیا»

فاطمه شیخ علیزاده

گروه حوادث

لنگه کفش قرمز دخترکی در محل سقوط هواپیما سوژه عکاسان شده بود و در فضای مجازی دست به دست می‌چرخید. داستان تلخ لنگه کفش کوچك ناگفته پیدا بود و این قصه بی‌کلام، شاید یکی از دردناك‌ترین قصه‌های این سقوط بود. از مسافر کوچك هواپیما که حالا آسمانی شده بود، به جز این لنگه کفش چند عروسك هم به جا مانده بود که آنها هم از قافله عکس‌های سانحه هوایی جا نمانده بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم؛ در این عمر اندکی که کردیا مولانی از خدا گرفت، این دومین بار بود که به ایران می‌آمد. زاده کشور کانادا بود، اما یك سال قبل زمانی که تنها شش ماه داشت برای اولین بار به ایران آمد تا پدربزرگ و مادربزرگ و بقیه اقوامش او را ببینند و دیدار محدود نشود به قاب لپ‌تاپ و تصویرهای مجازی. دلشان می‌خواست کردیا را از نزدیك ببینند و او را در آغوش بکشند.

این روزها خانواده مولانی و ارسلانی، مثل خانواده همه قربانیان سانحه هوایی در عزای عزیزشان حال خوشی ندارند. همین چهارشنبه گذشته بود که پیکر هیوا مولانی و همسر و فرزندش در شهر مهاباد به خاك سپرده شد.

پسرعموی هیوا، فرهاد مولانی در مورد حال و روز این روزهای خانه پدری هیوا گفت: «خانه پدری هیوا در مهاباد؛ در شوك و ناباوری از دست دادن او و زن و بچه‌اش روزهای خیلی تلخ و سیاهی را می‌گذراند. همه اعضای خانواده بی‌تاب هستند و بعد از خاکسپاری هنوز هم خانه‌شان مملو از افرادی است که برای تسلیت به خانه آنها می‌آیند.»

همین دو هفته قبل بود که همین خانه غرق در سرور و شادمانی برای عروسی برادر کوچك‌تر هیوا بود. اصلا برای همین عروسی هم بود که هیوا و همسر و فرزندش راهی ایران شده بودند.

شهریار مولانی، برادر بزرگ‌تر هیوا در توضیح سفر آخر برادرش به ایران به خبرنگار جام‌جم گفت: «هفت سالی می‌شد که هیوا برای کار، دست همسرش را گرفت و با هم به کانادا رفتند. هیوا فوق لیسانس مهندسی برق و الکترونیك خود را از دانشگاه تبریز گرفته بود و اوین ارسلانی، همسر برادرم در مهاباد کارمند بانك بود. وقتی با هم ازدواج کردند تصمیم گرفتند برای ادامه تحصیل و کار به کانادا بروند. خانواده اوین ساکن کانادا بودند. برای همین کارهای مهاجرت را انجام دادند و در کانادا شرکت تاسیس کردند و در کارشان پیشرفت خوبی کرده بودند. در این مدت گاهی هم برای سر زدن به خانواده به مهاباد می‌آمدند و آخرین بار برای شرکت در جشن عروسی برادر کوچك‌ترم شهرام به مهاباد آمدند.»

حدود ۲۰ روز قبل از سانحه هوایی بود که هیوا و اوین و کردیا راهی ایران شدند. می‌خواستند چند روزی قبل از عروسی ایران باشند تا خریدهای لازم را انجام دهند و برای جشن آماده شوند. شهریار مولانی در ادامه گفت: «وقتی به ایران رسیدند، اوین تصمیم داشت مقداری خرید انجام دهد. به همسرم گفت که کردیا کفش لازم دارد. با هم به بازار مهاباد رفتند و برای کردیا یك جفت کفش قرمز خریدند. کردیا کفش را در عروسی عمویش پوشید.

همان کفشی که در محل سقوط هواپیما جا مانده بود و وقتی ما عکس آن را در فضای مجازی دیدیم، کفش دختر ۱۸ ماهه برادرمان را شناختیم.»

شهریار مولانی در ادامه گفت: «درخواست داده‌ایم که کفش و وسایل دیگر باقیمانده از برادرمان را به ما بدهند و قرار است کفش کردیا و بقیه وسایل را پس بگیریم. حالا دیگر برادری نداریم که چشم به راهش باشیم، اما می‌خواهیم این کفش را یادگاری نگه داریم.»

یکی از دوستان خانواده مولانی هیوا و همسر و فرزندش را برای برگشت به کانادا به فرودگاه رسانده بود. وقتی خیالش راحت شد که سوار هواپیما شدند، سوار ماشین شد و در راه برگشت، یکدفعه متوجه شد که هواپیما سقوط کرده است.

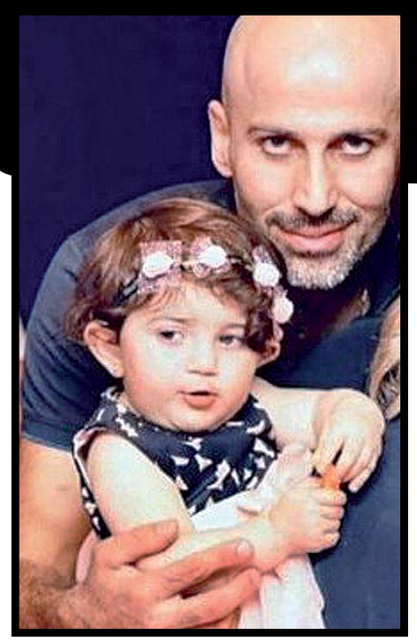

فرهاد مولانی، در مورد بقیه وسایل به جا مانده از کردیا گفت: «به جز لنگه کفش قرمز کردیا، عروسك و چند اسباب بازی او هم در محل سقوط هواپیما به جا مانده بود. هیوا دو برادر و دو خواهر دارد که بعد از عروسی برادر کوچکشان، ناگهان در غم از دست دادن برادر دیگرشان فرو رفتند. وقتی عکس‌های کفش و عروسك کردیا منتشر شد، خانواده هیوا حال خیلی بدی داشتند.»

انگار دیدن عکس لنگه کفش قرمز و عروسك کردیا، دل خانواده‌اش را بیشتر از قبل به درد می‌آورد. دیدن عکس کفشی که دخترك دوستش داشت و دلش نمی‌خواست از پایش در بیاورد و حتی در هواپیما هم آن را از خود جدا نکرده بود.

عموی کردیا:
کردیا بعد از خرید کفش قرمز از بازار مهاباد آن را در عروسی عمویش پوشید همان کفشی که در محل سقوط هواپیما جا مانده بود و وقتی ما عکس آن را در فضای مجازی دیدیم، کفش دختر ۱۸ ماهه برادرمان را شناختیم

اخاذی ۳ شیطان از طعمه‌هایشان با فیلم سیاه

سه مرد شیطان‌صفت که طعمه‌های خود را به‌عنوان مسافر سوار می‌کردند، بعد از ربودن آنها و آزار و اذیتشان، با تهیه فیلم سیاه اقدام به تهدید و اخاذی از طعمه‌ها می‌کردند. رسیدگی به پرونده در مرحله تحقیقات قرار دارد و در حالی که متهم اصلی دستگیر شده و به اتهام خود اقرار کرده، محاکمه به‌زودی در دادگاه کیفری یك استان تهران انجام می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۲۶ شهریور ماه امسال، زنی جوان با مراجعه به پلیس ادعا کرد یك باند زورگیر، با تهدید پسرش، طلاهای او را به ارزش ۲۰ میلیون تومان سرقت کرده‌اند.

با ادعای آن زن، رسیدگی به پرونده در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت و پسر نوجوان ۱۶ ساله به نام مهراد، در طرح شکایت خود به ماموران گفت: چند شب قبل با دوستانم به پارك بسیج در اتوبان محلاتی رفته بودیم. آخر شب وقتی از دوستانم خداحافظی کردم برای برگشت به خانه‌مان سوار یك خودروی پراید شدم. بعد از من هم دو مسافر دیگر سوار شدند و یکدفعه دیدم خودرو از مسیر خارج شد و به سمت جاده ورامین رفت. وقتی به منحرف شدن راننده از مسیر اعتراض کردم، دو سرنشین دیگر من را با سلاح تهدید به سکوت کردند و در آن لحظه فهمیدم آنها با هم همدست هستند. بعد من را به یك خانه در نزدیکی ورامین بردند و هر سه نفرشان مورد آزار و اذیت قرارم دادند. بعد هم از من فیلم سیاه تهیه کردند و تهدیدم کردند اگر به کسی چیزی بگویم بدترین کابوس زندگی‌ام می‌شوند. بعد پول‌ها و گوشی تلفن‌همراهم را سرقت کردند و من را به خانه‌مان رساندند و گفتند روز بعد سراغت می‌آییم و باید هر قدر که می‌توانی برایمان پول و طلا بیاوری. من هم از ترسم تمام طلاهای مادر و خواهرم را برداشتم و روز بعد با سارقان شیطان‌صفت قرار گذاشتم و طلاها را به آنها دادم.

بعد از این‌که مهراد طلاها را در اختیار سارقان قرار داده بود، مادر او متوجه گم شدن طلاهایش شده و مهراد که حال بد مادرش را دید، راز ماجرا را فاش کرد. با توجه به اطلاعاتی که مهراد در اختیار ماموران پلیس قرار داد، باند تبهکار تحت تعقیب قرار گرفت و بعد از مدتی سردسته آن در قرچك دستگیر شد.

متهم بعد از دستگیری لب به اعتراف گشود و پرده از راز جنایات سیاه خود برداشت. او علاوه بر اخاذی و آزار و اذیت علیه مهراد، به دو فقره سرقت و آزار و اذیت مشابه هم اعتراف کرد و به این ترتیب شناسایی شاکیان در دستور کار پلیس قرار گرفت و یکی از آنها شکایت خود را در اداره آگاهی ثبت کرد. شاکی به پلیس گفت: مدتی قبل در بلوار کوهسار سوار ماشین متهم شدم و او و دوستانش من را با زور و تهدید به خانه‌ای در ورامین کشاندند و مورد آزار و اذیت قرار دادند. بعد هم عابر بانکم را گرفتند و خرید کردند و گوشی تلفن‌همراهم و ساعتم را هم سرقت و رهایم کردند. این اتفاق تاثیر خیلی بدی روی من داشت. برای همین و از ترس آبرو موضوع را به کسی نگفتم.

در حالی که دو متهم دیگر متواری هستند و یکی از شاکیان هنوز شناسایی نشده، متهم ردیف اول برای تحقیقات مقدماتی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یك استان تهران آمد.

پزشکی قانونی پیش از این در گزارش معاینه مهراد، آزار و اذیت و ضرب و جرح او را مورد تایید قرار داد. متهم در دادگاه گفت: اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت را قبول دارم، اما فقط از سومین طعمه اخاذی کردیم و دو نفر بعدی را بعد از این‌که رها کردیم دیگر سراغشان نرفتیم.

رسیدگی به پرونده به‌زودی در دادگاه کیفری یك استان تهران انجام خواهد شد.

سیاهی لشکر سینما، سارق خانه دختران دم‌بخت

پسر جوان که سیاهی لشکر سینما بود با چهره‌های گریم شده، خود را به جای بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون جا می‌زد و با فریب دختران دم‌بخت از خانه‌های آنها سرقت می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل پاییز امسال مردی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران شکایت کرد پول، طلا و سکه و دلارهایش که ۵۰۰ میلیون تومان ارزش داشته در خانه‌شان در شمال غرب تهران سرقت شده است. با دستور قضایی، تحقیقات پلیسی از شاکی آغاز شده و وی گفت: دخترم شیفته بازیگری بود و از طریق اینستاگرام با مردی جوان آشنا شد که مدعی بود بازیگر است و پشت صحنه برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی نیز فعالیت دارد. حتی عکس‌هایی که با کارگردان‌ها و بازیگران مشهور سینما و تلویزیون گرفته بود را به دخترم نشان داد. او به خواستگاری دخترم آمد و می‌گفت در اروپا درس خوانده و خانواده‌اش خارج از کشور هستند. می‌خواهد به‌زودی به عنوان کارگردان و نویسنده فیلم و سریال در تلویزیون و یك کار سینمایی فعالیت کند و به دخترم هم نقشی در کارهایش می‌دهد. اما بعد از سرقت خانه‌مان، جوان خواستگار ناپدید شد و به او در ماجرای سرقت خانه‌مان شك داریم.

این درحالی بود که افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی شکایت‌های مشابه مطرح کردند. در این سرقت‌ها نیز پای جوان خواستگاری در میان بود.

ماموران فیلم دوربین مداربسته خانه شاکیان را بررسی کردند و تصاویر مردی را به دست آوردند که هر بار با چهره‌ای جدید به محل سرقت رفته، اما در همه سرقت‌هایش یك ساعت مچی خاص به دست داشته است.

وقتی ماموران تصویر ساعت سارق را به شاکیان نشان دادند، یکی از آنها ساعت را شناخت و گفت دخترش برای تولد خواستگارش آن را به وی هدیه داده است. با فاش شدن این موضوع که جوان خواستگار همان سارق فراری است، او تحت تعقیب قرار گرفت و چندروز پیش بازداشت شد. او مدعی بود بازیگر است و در زمینه کارگردانی سینما و تلویزیون فعالیت دارد و اشتباهی بازداشت شده، اما وقتی سوابق کیفری او لو رفت، راز سرقت‌های سریالی‌اش را فاش کرد و گفت: سال‌ها پیش به‌عنوان بازیگر سیاهی لشکر در سینما و پشت صحنه برنامه و سریال‌های تلویزیونی فعالیت داشتم. برای پولدار شدن و بازیگر شدنم، دست به کلاهبرداری از متقاضیان بازیگری زدم که دستگیرشده و چند سال زندان بودم. بعد از آزادی چون کار و پول نداشتم جرایمم را از سر گرفتم. در اینستاگرام با معرفی خودم به عنوان بازیگر و دستیار کارگردان‌های سینما و تلویزیون با دختران دم‌بخت آشنا می‌شدم و فریبشان می‌دادم. ابتدا دختری که دانشجوی رشته گریم بود را فریب دادم و با وعده یافتن کار برایش در پروژه‌های سینمایی هر بار که نقشه فریب دختران و سرقت از خانه‌هایشان را اجرا می‌کردم او چهره‌ام را گریم می‌کرد.

متهم ادامه داد: با فریب دختران دم‌بخت به آنها می‌گفتم قرار است به عنوان کارگردان و نویسنده چند پروژه سینمایی و تلویزیونی کار جدید کنم و نقشی به آنها بدهم. با خودروهای کرایه‌ای مدل بالا به ملاقات با آنها می‌رفتم و بعد از اعتمادسازی و جلب علاقه‌شان، به خواستگاری‌شان می‌رفتم. با اطمینان از این‌که وضع مالی خوبی دارند، در فرصتی مناسب، کلیدخانه‌هایشان را سرقت می‌کردم و در فرصتی مناسب نقشه‌ام را اجرا می‌کردم.

متهم پس از تحقیقات، روانه زندان شد و تحقیقات تکمیلی از وی ادامه دارد.

قاتل پس از جنایت در کرج به ترکیه گریخته بود

زن جوان قربانی کینه خواستگارش شد

مرد ۲۲ ساله زمانی که متوجه شد زن مورد علاقه‌اش می‌خواهد با رقیب عشقی وی ازدواج کند، زن جوان را کشت و به ترکیه گریخت. ماموران وقتی به ایران بازگشت او را دستگیر کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روزهای پایانی شهریور امسال زنی با حضور در شعبه ۱۳ بازپرسی دادسرای جنایی کرج، شکایت کرد که خواهرش از خانه بیرون رفته و چند روز است که بازنگشته و همسایه‌ها از وی خبری ندارند. با دستور بازپرس حسن اعلایی اصل‌ثمرین، تحقیقات پلیسی آغاز و ماموران در جست‌وجوی این زن بودند تا این‌که خواهر او با حضور دوباره نزد بازپرس جنایی اعلام کرد که مردی با آنها تماس گرفته و خبر داده که خواهرمان به قتل رسیده و جسدش در خانه است. در این مرحله ماموران با هماهنگی قضایی قفل در خانه زن گمشده را با کمك کلید ساز بازکردند و در جست‌وجوی این خانه با جسد زن جوان روبه‌رو شدند. وسایل خانه به‌هم ریخته بود و شواهد نشان می‌داد که او بر اثر خفگی به قتل رسیده و چند روز از مرگش می‌گذرد. تحقیقات از این خانواده نشان می‌داد که مقتول سال‌ها پیش از شوهرش جدا شده و در این خانه تنها زندگی می‌کرده و قرار بوده با مردی که از یك سال پیش به وی دل‌بسته بوده، ازدواج کند.

در ادامه ماموران متوجه شدند که خواستگار مقتول ناپدید شده است. در جریان تحقیقات مردی که خبر مرگ آن زن را به خانواده‌اش داده بود، شناسایی و مورد تحقیقات قضایی قرار گرفت و گفت با مقتول در تلگرام آشنا شده و می‌خواسته با وی ازدواج کند که متوجه وجود رقیب عشقی در این ماجرا شده و همان مرد با او تماس گرفته و گفته که آن زن را کشته تا من نتوانم با وی ازدواج کنم. با توجه به گفته‌های این مرد، ماموران دیگر اطمینان یافتند که قاتل خواستگار زن جوان است.

در جریان تحقیقات پلیسی مشخص شد که متهم به قتل فراری، به کمك یك قاچاق‌بر از ایران خارج شده و به ترکیه گریخته است. ماموران از طریق پلیس بین‌الملل در جست‌وجوی او بودند تا این‌که روزهای پایانی هفته گذشته معلوم شد او به کرج بازگشته و با هویت جعلی زندگی می‌کند. بهرام ۲۲ ساله بازداشت شد و وقتی فهمید راز قتل فاش شده، گفت: یك سال پیش به طور اتفاقی در حال رفتن به محل کارم بودم که در خیابان با او برخورد کردم و کف خیابان افتاد. چند مرتبه دیگر او را دیدم و همین ماجراها باعث آشنایی‌مان شد و به خانه‌اش می‌رفتم و می‌خواستم حتی با او ازدواج کنم، اما مدتی بود که اخلاقش عوض شده و تصمیم به جدایی گرفته بود. یك روز او را در بوستانی همراه مرد غریبه‌ای دیدم. بعد شماره آن مرد را از گوشی تلفن زن مورد علاقه‌ام پیدا کرده و متوجه شدم او هم خواستگار زن جوان است. ابتدا قصد کشتن این مرد را داشتم، اما بعد پشیمان شدم و سراغ زن جوان رفتم. کلید خانه‌اش را داشتم و چهار روز در خانه‌اش منتظر بودم تا این‌که به آنجا آمد. با هم درگیر شدیم و خفه‌اش کردم. بعد از ایران فرار کرده و با رقیب عشقی‌ام تماس گرفتم و ماجرای قتل را گفتم.

با اعتراف متهم به قتل زن جوان، او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

تلنگر

مرگ مشکوك پسر جوان با شلیك گلوله

کشف جسد پسر جوان که با شلیك گلوله در خانه‌شان فوت شده بود، کارآگاهان جنایی را با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۷ و ۳۷ دقیقه پنجشنبه ۲۶ دی امسال، یکی از ماموران کلانتری مولوی در تماس با ساسان غلامی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوك پسر جوانی در خانه‌ای در محله مولوی قرار داد. با دستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران بررسی صحنه جرم و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای رازگشایی از مرگ این جوان راهی خانه وی شدند. آنها در بررسی‌های اولیه متوجه شدند که او بر اثر شلیك گلوله فوت شده و ساعاتی از مرگش می‌گذرد. ماموران به تحقیق از خانواده وی پرداختند که مدعی شدند، نمی‌دانند چطور شده پسرشان فوت شده است. چراکه بیرون از خانه بودند و زمانی که بازگشتند متوجه مرگ پسرشان بر اثر شلیك گلوله شده‌اند و بعد در تماس با پلیس موضوع را اطلاع داده‌اند.

با توجه به مشکوك بودن مرگ پسر جوان، جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد تا مشخص شود به قتل رسیده یا خودکشی کرده است. تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از ابعاد مرگ این جوان ادامه دارد.

حمله مهاجمان به رئیس شورای شهر بومهن

پلیس در جست‌وجوی افرادی است که با حمله به رئیس شورای شهر بومهن او را زخمی کردند.

محسن بخششی، عضو شورای شهر بومهن به تسنیم گفت: احمد جوشنلو، رئیس شورای شهر بومهن از دفتر شورا خارج شده بود تا به خانه‌اش برود که از سوی راکبان یك دستگاه موتورسیکلت مورد حمله و سوءقصد قرار گرفت. مهاجمان در حالی متواری شدند که رئیس شورای شهر از ناحیه بازوی سمت چپ دچار جراحت شده و در بیمارستان بستری است. پلیس در جست‌وجوی افراد مهاجم فراری است.

سقوط مرگبار از طبقه چهارم

همزمان با آتش‌سوزی در مسکن مهر بلوار فضیلت شهر سمنان، زن ۳۵ ساله‌ای خود را از طبقه چهارم به پایین پرتاب کرد.

به گزارش مهر، ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح جمعه ۲۷ دی امسال، وقوع آتش‌سوزی آپارتمانی در مسکن مهر بلوار فضیلت شهر سمنان به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان برای امدادرسانی در محل حاضر شدند. آتش‌نشانان مشاهده کردند آتش‌سوزی در طبقه چهارم ساختمان رخ داده و دود و شعله از پنجره‌ها به بیرون در حال زبانه کشیدن است.

آتش‌نشانان با رعایت نکات ایمنی، قطع جریان برق و گاز به چند تیم عملیاتی تقسیم شدند. آنها با بازکردن در ورودی خانه که قفل شده بود و بستن دستگاه تنفسی وارد محیط پر از دود و آتش شده و عملیات اطفای حریق آغاز شد. این در حالی بود که زن ۳۵ ساله‌ای قبل از آمدن آتش‌نشان‌ها خود را از طبقه چهارم به پایین انداخته بود. آتش‌نشانان شعله‌های آتش را خاموش کردند و زن جوان به بیمارستان منتقل شد. بررسی‌های اولیه نشان از عمدی بودن حادثه می‌داد.

مرگ ۲ کارگر در سقوط چاه

فرمانده انتظامی شهرستان دماوند از جان باختن دو کارگر هنگام حفر چاهی در منطقه اصطلك خبر داد. سرهنگ محمدحسن محمدی به سایت پلیس گفت: وقوع سقوط دو کارگر هنگام حفر چاهی در منطقه اصطلك دماوند به پلیس گزارش شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد آنها هنگام کار بودند که سقوط کرده و فوت شده‌اند.

مرگ خاموش ۳ جوان روستایی

گازگرفتگی سه جوان در روستای دلی بجك سفیدار به مرگ آنها منجر شد.

محسن جلیل، رئیس اورژانس کهگیلویه و بویراحمد به ایسنا گفت: ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه ۲۶ دی امسال، گزارش گازگرفتگی سه جوان ۲۶، ۲۷ و ۲۸ ساله در روستای دلی بجك سپیدار به اورژانس گزارش شد. در بررسی وضعیت این سه نفر معلوم شد همگی فوت شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌داد که آنها شب قبل دچار گازگرفتگی ناشی از استاندارد نبودن دودکش آبگرمکن شده و جانشان را از دست داده‌اند.